

## عنوان مقاله:

استلزامات فلسفی عدم تناهی خداوند در اندیشه اسپینوزا

## محل انتشار:

فصلنامه فلسفه دین، دوره 19، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

## نویسنده:

حسین صابری ورزنه - استادیار، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

یکی از اوصافی که در بسیاری از سنت های الهیاتی بر خدا حمل می شود، «عدم تناهی» است. فیلسوفان و متالهان اغلب خداوند را هم در مقام ذات و هم در ساحت صفات نامتناهی دانسته اند یا به عبارت دیگر، تشخص خداوند را به عدم تناهی یا اطلاق ذاتی او تفسیر کرده اند. اسپینوزا فیلسوف عقل گرای سده هفدهم نیز از جمله کسانی است که با معرفی خداوند به عنوان جوهر واحد، خصوصیت عدم تناهی را برای خدا ضروری و ذات و صفات او را نامتناهی دانسته است. از نظر اسپینوزا، اتصاف خدا به عدم تناهی استلزاماتی دارد که از جمله آنها می توان به «کل سابق بودن»، «علت داخلی بودن» و «فراطبیعی نبودن» خداوند اشاره کرد. بدین سبب، اسپینوزا قائل است که در سنت های الهیاتی مرسوم در ادیان ابراهیمی، خصوصیت عدم تناهی خدا درست تحلیل نشده و بدین واسطه، رابطه خدا و ماسوی مورد سوء فهم قرار گرفته است. در این پژوهش با استفاده از منابع معتبر در زمینه اسپینوزاپژوهی و با روش توصیفی-تحلیلی، آرای اسپینوزا در این زمینه را بررسی کرده ایم.

## کلمات کلیدی:

اسپینوزا، عدم تناهی، علت داخلی، فراطبیعت، کل سابق

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1526105>

